

Research Article

Identity and the Pathology of Poverty and Marginalization: A Survey in Lorestan Province

Farshad Goudarzi¹ 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Borujerd, Iran.

Gholamreza Tajbakhsh 

Professor, Department of Social Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Borujerd, Iran.

Received: 2026/08/04 Accepted: 2026/08/31

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2096637.1067> 

Extended Abstract

Introduction: In the contemporary industrial context, poverty and marginalization represent structural challenges closely associated with social exclusion, deprivation, and unequal access to basic needs. Identity, as a multidimensional construct, plays an important role in shaping individuals' responses to these pressures and strengthening their capacity for resilience. The interaction between diminished social status, social exclusion, and individual self-conceptions highlights the importance of understanding how identity may influence the reproduction or mitigation of inequality. Accordingly, this study examined the relationship between different dimensions of identity and the pathologies associated with poverty and marginalization in Lorestan Province.

Method: This applied study employed a descriptive-survey research design. The statistical population consisted of citizens of Lorestan Province, from whom 1,250 respondents were selected through proportionate sampling. Data were collected using a researcher-developed questionnaire and analyzed using Structural Equation Modeling (SEM) with AMOS software. To examine the relationships among the latent and observed variables, both measurement and structural models were evaluated. Model adequacy was also assessed using relevant goodness-of-fit indices to determine the correspondence between the proposed theoretical model and the empirical data.

Findings: The results indicated that the proposed model demonstrated an acceptable fit to the empirical data. The measurement model confirmed that all dimensions of the multidimensional identity construct had appropriate and statistically significant factor loadings. Among these dimensions, ethnic identity and individual identity showed the strongest contributions to the multidimensional identity construct, indicating the importance of both sociocultural belonging and individual self-perception in the formation of protective mechanisms. The structural model further revealed a positive and statistically significant relationship between multidimensional identity and the pathologies associated with poverty and marginalization. This finding suggests that greater coherence and reinforcement among different dimensions of identity may strengthen individuals' and groups' capacity to cope with exclusion, deprivation, and marginalization.

Conclusion: The findings indicate that multidimensional identity may function as a protective and regulatory mechanism in relation to poverty and marginalization. By strengthening belonging, social cohesion, trust, and resilience, identity can contribute to reducing vulnerability to social exclusion and limiting the reproduction of social pathologies. Accordingly, social policies and preventive programs in Lorestan Province should complement economic and welfare interventions with measures that strengthen identity dimensions and social mechanisms fostering belonging, cohesion, and resilience. Such an integrated approach may contribute to enhancing social sustainability and improving communities' capacity to respond to the structural challenges associated with poverty and marginalization.

Keywords: Identity, Marginalization, Poverty, Lorestan Province.

Citation: Goudarzi, F., & Tajbakhsh, Gh. (2026). Identity and the Pathology of Poverty and Marginalization: A Survey in Lorestan Province. *Journal of Industrial Sociology*, 3(1), 240-262.

1. Corresponding author, E-mail: farshadgoudarzi262@gmail.com

مقاله پژوهشی

هویت و آسیب شناسی فقر و حاشیه‌نشینی: یک مطالعه پیمایشی در استان لرستان

فرشاد گودرزی^۱ 

استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران

غلامرضا تاج‌بخش 

استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2096637.1067> 

چکیده مبسوط

مقدمه: در سپهر صنعتی معاصر که فقر و حاشیه‌نشینی به‌عنوان چالش‌های ساختاری، طرد اجتماعی و محرومیت از نیازهای بنیادین را تشدید کرده‌اند، «هویت» به‌عنوان سازه‌ای چندسطحی نقشی کلیدی در تنظیم واکنش‌های فردی و تقویت تاب‌آوری در برابر این فشارها دارد. این پیوند پیچیده میان جایگاه اجتماعی تقلیل‌یافته و خودانگاره‌های فردی، ضرورت بازخوانی نقش هویت در بازتولید یا کاهش نابرابری را دوچندان می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان ابعاد متنوع هویت و آسیب‌شناسی فقر و حاشیه‌نشینی در استان لرستان تدوین شده است. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه شهروندان استان لرستان تشکیل دادند که از میان آن‌ها ۱۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود و برای تحلیل داده‌های حاصل از میدان، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار آموس استفاده شد. در این پژوهش، به‌منظور آزمون دقیق روابط میان متغیرهای مکنون و آشکار، هم مدل اندازه‌گیری و هم مدل ساختاری به‌صورت هم‌زمان ارزیابی گردید. همچنین، کفایت مدل از طریق شاخص‌های برازش مورد سنجش قرار گرفت تا میزان انطباق الگوی نظری تدوین‌شده با داده‌های تجربی استخراج‌شده به‌دقت مشخص شود.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش قابل قبولی برخوردار است و شاخص‌های برازش، کفایت آن را تأیید می‌کنند. همچنین، نتایج مدل اندازه‌گیری بیانگر آن بود که همه ابعاد هویت چندبعدی از بار عاملی مناسب و معنادار برخوردارند. در میان این ابعاد، هویت قومی و هویت فردی بیشترین سهم را در تبیین سازه هویت چندبعدی داشته‌اند که این امر نشان‌دهنده اهمیت هم‌زمان پیوندهای فرهنگی - اجتماعی و ادراک فرد از خود در شکل‌گیری سازوکارهای محافظتی است. افزون بر این، نتایج مدل ساختاری نشان داد که هویت چندبعدی رابطه‌ای مثبت و معنادار با آسیب‌شناسی فقر و حاشیه‌نشینی دارد. این یافته مؤید آن است که هرچه سطوح هویت در ابعاد مختلف منسجم‌تر و تقویت‌شده‌تر باشد، ظرفیت افراد و گروه‌ها برای مقابله با طرد، محرومیت و فرایندهای حاشیه‌ای‌شدن نیز به‌طور معناداری بیشتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هویت چندبعدی را می‌توان به‌مثابه سپری محافظتی و سازه‌ای تنظیم‌گر در برابر فقر و حاشیه‌نشینی در نظر گرفت. این سازه با تقویت احساس تعلق، انسجام اجتماعی، اعتماد و تاب‌آوری، می‌تواند از بازتولید آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و برنامه‌های پیشگیرانه در استان لرستان، در کنار مداخلات اقتصادی و حمایتی، به تقویت ابعاد هویتی و سازوکارهای اجتماعی مولد تعلق و انسجام نیز توجه جدی داشته باشند تا پایداری اجتماعی منطقه تضمین گردد.

کلیدواژه‌ها: هویت، حاشیه‌نشینی، فقر، استان لرستان.

ارجاع: گودرزی، فرشاد، تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۴۰۵). هویت و آسیب‌شناسی فقر و حاشیه‌نشینی، یک مطالعه پیمایشی در استان لرستان. مجله جامعه‌شناسی صنعتی، ۳(۱)، ۲۶۲-۲۴۰.

۱. ایمیل نویسنده مسؤول: farshadgoudarzi262@gmail.com

به علاوه، بر اساس آمارهای اسکان سازمان ملل متحد، حدود یک میلیارد نفر از ساکنان شهری در حاشیه و زاغه زندگی می کنند و پیش بینی می شود که این رقم تا سی سال آینده به دو میلیارد نفر برسد (وصالی و قاسمی نژاد، ۱۳۹۸).

در ایران در دو دهه اخیر، به دلایل مختلف به ویژه تورم و تحریم، شاخص های مختلف فقر تشدید شده اند. به علاوه نرخ افرادی که در سکونت گاههای غیررسمی یا حاشیه شهرها سکونت داشته اند به سرعت افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴). اهمیت این مسئله در استان لرستان برجسته تر به نظر می رسد. این استان از یک سو دارای پیشینه فرهنگی و اجتماعی خاص و برخوردار از پیوندهای محلی و خویشاوندی ریشه دار است (امان الهی بهاروند، ۱۳۷۹) و از سوی دیگر، با برخی چالش های اقتصادی و اجتماعی نیز مواجه بوده است. بر اساس نتایج سرشماری، جمعیت استان لرستان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱/۷۶۰/۶۴۹ نفر گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). همچنین، نرخ بیکاری استان در سال ۱۴۰۱ حدود ۶/۱۳ درصد بوده که از میانگین کشوری بالاتر است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). افزون بر این، برخی گزارش های رسمی از وجود کانون های حاشیه نشینی در شماری از شهرهای استان، از جمله خرم آباد، حکایت دارند (وزارت کشور، ۱۳۹۹). این وضعیت نشان می دهد که فقر و حاشیه نشینی در لرستان صرفاً مسئله ای انتزاعی یا حاشیه ای نیست، بلکه از جمله مسائل واقعی و قابل توجه در حیات اجتماعی استان به شمار می رود. پژوهش ها نشان می دهند فقر، محرومیت اجتماعی، و نابرابری های بین منطقه ای از عوامل مؤثر بر افزایش جرایم علیه اموال اند. در استان لرستان نیز

فقر به عنوان معیار محرومیت فرد، خانوار یا جامعه از نیازهای اساسی زندگی مانند درآمد، غذا، مسکن، مهارت ها، دانش، فناوری و غیره؛ و حاشیه نشینی به مثابه خروج برخی از افراد و گروه ها از جریان اصلی جامعه، همیشه در جوامع بشری وجود داشته اند، اما با ظهور دنیای صنعتی برجسته گردیده و در سپهر صنعتی معاصر در قالب مساله های حاد اجتماعی ظهور و بروز یافته اند (سینگ^۱، ۲۰۱۲). تداوم و گسترش فقر و حاشیه نشینی می تواند پیامدهای گسترده ای در سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر جای گذارد (گریفن^۲، ۲۰۰۰). این دو پدیده صرفاً به محرومیت مادی یا استقرار در سکونتگاه های نامناسب محدود نمی شوند، بلکه با مجموعه ای از نابرابری های ساختاری، محدودیت در دسترسی به فرصت ها و خدمات، کاهش کیفیت زندگی، تضعیف پیوندهای اجتماعی و افزایش آسیب پذیری گروه های اجتماعی همراه اند. از این رو، فقر و حاشیه نشینی را باید فراتر از مسائل معیشتی یا کالبدی، به مثابه پدیده هایی چندبعدی و درهم تنیده در نظر گرفت که در بستر مناسبات اجتماعی و شرایط نابرابر توسعه بازتولید می شوند. حسب گزارش بانک جهانی^۳ (۲۰۲۴) حدود ۷۰۰ میلیون نفر معادل ۸/۵ درصد جمعیت جهان در فقر شدید، یعنی با درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز، زندگی می کنند و ۳/۵ میلیارد نفر برابر با ۴۴ درصد از جمعیت جهان بر مبنای استانداردهای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (۷ دلار در روز)، همچنان فقیر هستند. اگرچه فقر پدیده ای جهانی است اما بخش اعظم جمعیت فقیر جهان در کشورهای کمتر توسعه یافته زندگی می کنند.

تمرکز محرومیت در شهرستان‌هایی مانند رومشکان و چگنی با افزایش سرقت‌های ساده، و نابرابری نسبی در خرم‌آباد و دورود با بروز جرایم پیچیده‌تر همراه بوده است (یوسف‌وند، ۱۴۰۴). یافته‌های برخی پژوهش‌ها نیز مؤید اهمیت این موضوع‌اند. برای نمونه، نتایج یکی از مطالعات در بررسی آسیب‌های اجتماعی در شهرستان خرم‌آباد نشان داد که فقر مالی، بیکاری و عدم اشتغال در زمره مهم‌ترین اولویت‌های اجتماعی قرار دارند (اسماعیل‌زاده و زرندی، ۱۴۰۰). همچنین، برخی مطالعات بر این نکته تأکید کرده‌اند که ضعف تعلق اجتماعی و فرهنگی می‌تواند با تشدید آسیب‌پذیری اجتماعی همراه باشد (علی‌بیگی، ۱۴۰۱). بررسی فقر و حاشیه‌نشینی در ایران عمدتاً با تأکید بر متغیرهای اقتصادی، مدیریتی، جمعیتی و فضایی انجام شده است. هرچند این دسته از عوامل در تبیین ابعاد مختلف مسئله اهمیت دارند، تمرکز یک‌سویه بر آن‌ها موجب شده است برخی ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با پیشگیری از این آسیب‌ها کمتر مورد توجه قرار گیرند. در این میان، هویت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در شکل‌دهی به احساس تعلق، انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و نحوه مواجهه افراد با محیط اجتماعی، می‌تواند در فهم زمینه‌های پیشگیری از فقر و حاشیه‌نشینی اهمیت داشته باشد. با این حال، این موضوع در بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی، به‌ویژه در سطح استانی، کمتر به‌صورت مستقل و تجربی بررسی شده است. با وجود این، همچنان خلأ روشنی درباره بررسی تجربی رابطه هویت با پیشگیری از فقر و حاشیه‌نشینی، به‌ویژه در سطح استان لرستان، مشاهده می‌شود.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه هویت با پیشگیری از فقر و حاشیه‌نشینی در استان لرستان

است. این پژوهش در پی آن است که میزان و جهت رابطه میان هویت و پیشگیری از فقر و حاشیه‌نشینی را در میان شهروندان استان لرستان بررسی کند و مشخص سازد که هویت تا چه اندازه از ظرفیت تبیین‌کنندگی این متغیر برخوردار است. در همین چارچوب، پرسش اصلی پژوهش آن است که هویت چه رابطه‌ای با آسیب‌شناسی فقر و حاشیه‌نشینی در استان لرستان دارد؟

پیشینه پژوهش

بررسی‌های تجربی اخیر نشان می‌دهد که فقر و حاشیه‌نشینی بیش از آن‌که صرفاً بحران‌های اقتصادی یا کالبدی باشند، در پیوند وثیق با هویت‌های اجتماعی و الگوهای طرد معنا می‌یابند. در ادامه، روند مطالعات اخیر در تبیین این پیوند متقابل واکاوی می‌شود.

مردانلو و دیگران (۱۴۰۴) در پژوهشی بر حاشیه‌نشینان شهر زنجان، به شکلی انتقادی نشان می‌دهند که ادراک نابرابری اقتصادی، پیوند فرد با ساختارهای کلان هویت ملی و قومی را تضعیف می‌کند؛ این یافته مؤید آن است که نابرابری ساختاری، بستر گسست هویتی و زوال تعلقات اجتماعی را فراهم می‌آورد. در تکمیل این دیدگاه، دانش و دیگران (۱۴۰۲) با رویکرد پدیدارشناختی بر گروه‌های به شدت آسیب‌پذیر، تأکید دارند که طرد اجتماعی و برچسب‌زنی، فرآیند «انگ‌خوردگی هویت» را تشدید کرده و امکان بازسازی هویتی را برای فرد سلب می‌کند. پژوهش هزارجریبی و دیگران (۱۴۰۲) نیز بر شکاف میان «خود ادراکی» حاشیه‌نشینان و «برچسب‌های رسمی» متمرکز است؛ این مطالعه به‌درستی اشاره دارد که طرد نمادین، ناشی از عدم انطباق میان هویت زیسته ساکنان و هویت تحمیلی از سوی

نهادهای قدرت است. در سطح کلان‌تر، صفا و دیگران (۱۴۰۲) نشان می‌دهند که تبعیض‌های قومی، ظرفیت‌های هویتی فراگیر را دچار فرسایش می‌کند؛ این امر بیانگر آن است که فشارهای ساختاری مستقیماً به هویت‌های فرهنگی آسیب می‌زند. نهایتاً، کرمی و دیگران (۱۴۰۲) با اثبات رابطه مستقیم میان هویت مذهبی/قومی با احساس طرد اجتماعی، فراتر از رویکردهای صرفاً اقتصادی عمل کرده و نتیجه می‌گیرند که طرد اجتماعی، پدیده‌ای چندبعدی است که نشانه‌های هویتی و تمایزات اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید آن دارند. در مجموع، ادبیات پژوهشی اخیر بر این مدعاست که فقر و حاشیه‌نشینی همزمان هم «تولیدکننده» و هم «پیامد» بحران‌های هویتی هستند و بدون توجه به این لایه فرهنگی و نمادین، مداخلات سیاست‌گذارانه در برابر آسیب‌های اجتماعی، تقلیل‌گرایانه و ناکارآمد خواهد بود.

پژوهش‌های بین‌المللی اخیر نیز به شکلی فزاینده بر نقش تعدیل‌کننده و میانجی متغیرهای هویتی در مواجهه با آسیب‌های ساختاری، طرد اجتماعی و نابرابری‌های اقتصادی تأکید کرده‌اند. روند مطالعات خارجی در این حوزه به شرح زیر است. کیتاشویلی^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی بر روی جوانان بیکار نشان می‌دهد که بحران‌های ساختاری نظیر بیکاری، مستقیماً هویت اجتماعی آفلاین و احساس ارزشمندی افراد را تهدید می‌کنند؛ در این میان، بازسازی هویت‌های اجتماعی جبرانی (حتی در بسترهای مجازی) می‌تواند به عنوان سازوکاری دفاعی برای کاهش فشارهای روانی ناشی از طرد ساختاری عمل کند. در تبیین نسبت میان طرد ناشی از

نابرابری و فرآیندهای هویتی، اوکولی^۲ و مانیروکه^۳ (۲۰۲۴) در بررسی تجربی خود دریافتند که میان تجربه تبعیض و طرد با پریشانی‌های روانی رابطه مستقیم وجود دارد؛ با این حال، تعهد قوی به هویت‌های فرهنگی و قومی با کاهش احساس تبعیض همبستگی داشته و نقشی محافظتی ایفا می‌کند. کیتاشویلی و همکاران (۲۰۲۲) نیز در مطالعه‌ای دیگر بر روی جوانان بیکار استدلال می‌کنند که پس از عزت‌نفس، «هویت اجتماعی منسجم» کلیدی‌ترین محرک و عامل بازدارنده برای غلبه بر پیامدهای بیکاری و رخوت اجتماعی است؛ این یافته نشان می‌دهد که هویت سازمان‌یافته، منبعی از سرمایه روانی-اجتماعی است که انگیزه عاملان را برای خروج از وضعیت فقر فعال می‌سازد. در همین راستا، ماهلئوس^۴ و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی موانع هویتی ناشی از فقر و بیکاری در آلمان نشان دادند که بحران‌های ساختاری، سه مانع اساسی برای تکوین هویت پویا ایجاد می‌کنند: فقدان امنیت روانی برای کشف خودهای ممکن، عدم دسترسی به فرصت‌ها برای آزمودن نقش‌ها، و در نهایت عدم دریافت تایید و اعتبار اجتماعی. سرانجام، فلیشمان^۵ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود بر روی جوانان اقلیت دریافتند که ابعاد مختلف هویت نقشی تعیین‌کننده در ادراک تبعیض و طرد اجتماعی دارند و تضعیف یا تهدید هر یک از این مجاری هویتی، آسیب‌پذیری افراد را در برابر بحران‌های ناشی از طرد اقتصادی و اجتماعی به شدت افزایش می‌دهد.

در مجموع، ترکیب و فراتحلیل پیشینه‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اگرچه ادبیات پژوهشی موجود به شکلی

4. Muhlhaus
5. Fleischmann

1. Kitashvili
2. Okolie
3. Manyeruke

پراکنده به نقش ابعاد گوناگون هویتی در کاهش آسیب‌های رفتاری و روانی (نظیر اعتیاد، طلاق و خشونت) پرداخته است، اما دو خلأ اساسی در این میان مشهود است: نخست، غلبه رویکردهای روان‌شناختی فردمحور و غفلت نسبی از ظرفیت پیشگیرانه و «سپر ساختاری» هویت چندبعدی در مواجهه با آسیب‌های کلان‌ساختاری مانند فقر و حاشیه‌نشینی؛ دوم، تمرکز مطالعات پیشین بر جوامع محدود، موضعی یا صرفاً کلان‌شهری، که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به مناطق حاشیه‌ای و کمترتوسعه‌یافته با تنوع قومی منحصربه‌فرد (مانند استان لرستان) محدود می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف پوشش این شکاف‌های نظری و روش‌شناختی، بر آن است تا با اتخاذ رویکردی تلفیقی و پیمایشی، پتانسیل تبیینی و بازدارنده ابعاد چهارگانه هویت را در آسیب‌شناسی فقر و حاشیه‌نشینی در قالب یک مدل ساختاری هماهنگ در پهنه جغرافیایی استان لرستان به آزمون بگذارد.

چارچوب نظری

تبیین جامعه‌شناختی رابطه هویت و پیشگیری از آسیب‌های ساختاری- اقتصادی در استان لرستان، مستلزم عبور از برداشت‌های تقلیل‌گرایانه‌ای است که فقر و حاشیه‌نشینی را صرفاً پیامد کمبود منابع مادی یا ناکامی‌های فردی می‌دانند. در رویکرد حاضر، این دو پدیده نه فقط به منزله وضعیت‌های اقتصادی، بلکه به مثابه صورت‌های عینی تضعیف پیوند اجتماعی، فرسایش احساس تعلق، اختلال در انسجام هنجاری و کاهش ظرفیت‌های کنشگری در بستر نابرابری‌های ساختاری فهم می‌شوند. بر این اساس، هویت به عنوان یک

سازه چندبعدی و اجتماعی، در کانون تبیین قرار می‌گیرد؛ زیرا هویت همان سازوکاری است که از طریق آن، فرد نسبت خود را با خویشتن، با دیگران، با جامعه، با ارزش‌های مشترک و با افق‌های معنایی زندگی تنظیم می‌کند. از این منظر، هویت نه یک ویژگی صرفاً روان‌شناختی و نه صرفاً یک برچسب فرهنگی، بلکه برساخته‌ای رابطه‌ای، تاریخی و اجتماعی است که در متن کنش متقابل، تجربه زیسته و موقعیت ساختاری شکل می‌گیرد و می‌تواند در مواجهه با فشارهای اجتماعی، نقش محافظتی یا بازدارنده ایفا کند.

این تلقی از هویت، ریشه در سنت کلاسیک جامعه‌شناسی دارد. از یک سو، چارلز کوولی^۱ و جرج هربرت مید^۲ نشان دادند که خود و هویت در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه در فرایند بازتاب‌گیری از نگاه دیگران، ایفای نقش و درونی‌سازی انتظارات اجتماعی ساخته می‌شوند (دیلینی، ۱۳۹۸: ۲۳۹؛ مید، ۱۴۰۳: ۱۳۵). از سوی دیگر، دورکیم (۱۴۰۱: ۳۱) با طرح مفهوم وجدان جمعی و نقش ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در حفظ انسجام اجتماعی، زمینه فهم آن را فراهم کرد که هویت چگونه می‌تواند صورت درونی‌شده نظم اخلاقی و جمعی باشد و کنش فرد را در جهت انطباق با قواعد اجتماعی هدایت کند. در امتداد همین سنت، گیدنز (۱۳۹۸: ۵۸) هویت را پروژه‌ای بازاندیشانه می‌داند که در آن، فرد می‌کوشد در جهان متحول و پرمخاطره مدرن، روایتی نسبتاً منسجم از خود بسازد. باومن (۱۴۰۳: ۳۱) نیز در توصیف مدرنیته سیال، بر شکنندگی و ناپایداری هویت در شرایط نااطمینانی اجتماعی تأکید می‌کند. در چنین وضعیتی، هویت می‌تواند به منبعی برای ثبات معنایی، انسجام درونی و مقاومت در برابر فرسایش

2. George Herbert Mead

1. Charles Cooley

اجتماعی تبدیل شود. مانوئل کاستلز (۱۴۰۲: ۱۲) هویت را در نسبت با قدرت، شبکه‌ها و مقاومت تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که در شرایط فشار ساختاری، هویت‌ها می‌توانند به منابع مهم بازتعریف خود و ایستادگی اجتماعی بدل شوند. در این پژوهش، برای تبیین رابطه هویت با فقر و حاشیه‌نشینی، تلفیق دو منطق نظری اهمیت بیشتری می‌یابد: نخست، نظریه آنومی رابرت مرتون^۱ و دوم، نظریه پیوند اجتماعی تراویس هیرشی^۲. مرتون (۱۹۳۸: ۶۷۳) نشان می‌دهد هنگامی که میان اهداف فرهنگی مطلوب و ابزارهای مشروع دستیابی به آن‌ها شکاف ایجاد می‌شود، فشار ساختاری پدید می‌آید و افراد در معرض پذیرش الگوهای ناسازگارانه قرار می‌گیرند. فقر و حاشیه‌نشینی را می‌توان از این منظر، نه صرفاً پیامد ضعف اقتصادی، بلکه نتیجه نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها، انسداد مسیرهای تحرک اجتماعی و تضعیف احساس تعلق به نظم اجتماعی دانست. با این حال، همه افراد در مواجهه با فشارهای مشابه، یکسان عمل نمی‌کنند. تفاوت در واکنش‌ها را باید در منابع هویتی و پیوندهای اجتماعی جست‌وجو کرد. در همین‌جا نظریه هیرشی اهمیت می‌یابد؛ زیرا او استدلال می‌کند که هرچه پیوند فرد با جامعه، ارزش‌ها، آینده و نهادهای متعارف قوی‌تر باشد، احتمال درگیر شدن او در مسیرهای آسیب‌زا کمتر می‌شود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۹۰: ۵۲). در این معنا، هویت را می‌توان صورت درونی‌شده و پایدارتری از همین پیوند اجتماعی دانست؛ یعنی سازه‌ای که از خلال آن، فرد خود را متعهد، متعلق و پاسخگو احساس می‌کند.

بر این مبنا، هویت فردی نخستین بعد مهم در این چارچوب است. هویت فردی ناظر بر آن سطح از خودتعریف‌گری است که با استقلال، هدف‌مندی، مسئولیت‌پذیری و توانایی جهت‌دهی به زندگی پیوند دارد. فردی که از هویت فردی منسجم‌تری برخوردار است، در برابر محدودیت‌های محیطی صرفاً منفعل باقی نمی‌ماند، بلکه می‌کوشد در درون محدودیت‌های ساختاری، گزینه‌های معنادار و کنش‌های هدفمند را دنبال کند. اریکسون^۳ (۱۹۶۸: ۲۲) نشان داده است هویت فردی در بستر کاوش، تعهد و مواجهه فعالانه با نقش‌ها و انتظارات اجتماعی شکل می‌گیرد. از منظر جامعه‌شناختی نیز، این بعد از هویت با ظرفیت عاملیت در پیوند است؛ همان ظرفیتی که اجازه می‌دهد فرد خود را کاملاً تسلیم فشارهای اقتصادی و اجتماعی نکند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت افرادی که از هویت فردی قوی‌تری برخوردارند، در برابر افتادن به چرخه بازتولید فقر یا پذیرش زیست حاشیه‌ای، مقاومت بیشتری نشان دهند.

هویت اجتماعی دومین بعد کلیدی در این پژوهش است. این بعد از هویت، از عضویت فرد در گروه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، مناسبات اعتماد، مشارکت و مسئولیت‌پذیری متقابل ناشی می‌شود. تاجفل^۴ و ترنر^۵ (۲۰۰۴: ۴۰) نشان می‌دهند که افراد بخش مهمی از ارزش و معنای خود را از عضویت در گروه‌های اجتماعی به دست می‌آورند و همین امر، مبنای احساس تعلق، مقایسه اجتماعی و تنظیم رفتار می‌شود. از سوی دیگر، رابرت پاتنام (۱۴۰۱: ۱۸) با تأکید بر سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهد اعتماد، مشارکت مدنی و شبکه‌های

4. Tajfel
5. Turner

1. Robert Merton
2. Travis Hirschi
3. Erikson

افقی همکاری می‌توانند نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی ایفا کنند. در نتیجه، هرچه هویت اجتماعی فرد قوی‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که خود را عضوی از یک شبکه حمایتی و اخلاقی بداند و در برابر طرد اجتماعی، بی‌تفاوتی و فروغلتیدن به حاشیه‌نشینی، مقاومت بیشتری از خود نشان دهد.

هویت قومی نیز در بافت استان لرستان از اهمیت خاصی برخوردار است. این بعد، به احساس تعلق فرد به میراث فرهنگی، تاریخی، نمادین و جمعی گروه قومی مربوط می‌شود. اریکسون (۱۳۹۸) و فینی^۱ (۱۹۹۰: ۵۰۴) تأکید می‌کنند که هویت قومی صرفاً یک انتساب تبارشناختی نیست، بلکه فرایندی از آگاهی، کاوش، تعلق و درونی‌سازی ارزش‌ها و مرزهای نمادین است. در جوامعی که پیوندهای قومی هنوز بخشی مهم از زندگی روزمره، شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات حمایتی را سازمان می‌دهند، هویت قومی می‌تواند منبع مهمی برای حمایت غیررسمی، همبستگی و حفظ کرامت اجتماعی باشد. از این حیث، هویت قومی در برابر فقر و حاشیه‌نشینی می‌تواند نقش دوگانه‌ای ایفا کند: از یک سو، با تقویت شبکه‌های همیاری و احساس تعلق، ظرفیت مقاومت اجتماعی را افزایش دهد و از سوی دیگر، در صورت تضعیف یا تحقیر، احساس طرد و بی‌پناهی را تشدید کند. در این پژوهش، وجه نخست مورد تأکید است؛ یعنی هویت قومی به مثابه منبعی برای کاهش آسیب‌پذیری ساختاری.

هویت ملی نیز به عنوان یکی از اشکال مهم هویت جمعی در جهان مدرن، در این چارچوب جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارد. هویت ملی صرفاً احساس تعلق عاطفی به کشور نیست، بلکه

به معنای پیوند با نظم مدنی، خیر عمومی، قانون‌مندی، حافظه تاریخی و مسئولیت اجتماعی در مقیاس کلان‌تر است. اندرسون (۱۳۹۳: ۷؛ اسمیت، ۱۴۰۱: ۱۴) نشان می‌دهند که ملت از خلال تصور تعلق مشترک، نمادها، خاطره‌ها و افق سیاسی جمعی ساخته می‌شود. در سطح تجربی، فردی که هویت ملی قوی‌تری دارد، موفقیت و اعتبار جامعه خود را با کنش فردی خویش بی‌ارتباط نمی‌بیند و در نتیجه، احتمال بیشتری دارد که نسبت به حفظ انسجام اجتماعی، رعایت قواعد و مشارکت در خیر عمومی حساس باشد. از این منظر، هویت ملی می‌تواند در برابر فرایندهای طرد، گسست و بی‌ریشگی اجتماعی که اغلب با فقر و حاشیه‌نشینی همراه‌اند، نقشی یکپارچه‌ساز و ادغام‌کننده ایفا کند.

سرانجام، هویت دینی در جامعه‌ای که دین هنوز یکی از مهم‌ترین منابع معنا، مشروعیت اخلاقی و همبستگی فرهنگی است، نقش انکارناپذیری در تنظیم کنش اجتماعی دارد. پتر برگر (۱۴۰۲: ۳۰) دین را یکی از بنیادی‌ترین دستگاه‌های معنابخش به جهان اجتماعی می‌داند و دورکیم (۱۴۰۱: ۴۷) نیز آن را منبع مهمی برای بازتولید همبستگی جمعی تلقی می‌کند. هویت دینی، در این معنا، صرفاً به انجام مناسک محدود نیست، بلکه ناظر بر درونی‌شدن ارزش‌ها، تعهدات اخلاقی، کمک به دیگران، پرهیز از آسیب‌رسانی و معنا بخشیدن به رنج و دشواری‌های زندگی است. در زمینه فقر و حاشیه‌نشینی، هویت دینی می‌تواند از چند مسیر نقش محافظتی ایفا کند: نخست، از طریق تقویت خودمهاری و درونی‌سازی هنجارهای بازدارنده؛ دوم، از طریق حمایت

۲- بین هویت (فردی، اجتماعی، قومی، ملی و دینی) و آسیب شناسی فقر در میان شهروندان استان لرستان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش شناسی کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام شده است. جامعه آماری، شهروندان ۱۸ سال و بیشتر ساکن در ۱۱ شهرستان استان لرستان در سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ تشکیل داده‌اند که بر اساس آخرین داده‌های رسمی، جمعیتی بالغ بر ۱/۷۶۰/۷۹۶ نفر را شامل می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). جهت تعیین حجم نمونه، با توجه به ماهیت چندمتغیره تحلیل‌ها و با هدف تضمین توان آماری بالا، از نرم‌افزار «سمپل پاور^۱» استفاده شد. با در نظر گرفتن سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری بسیار بالا (۰/۹۵) و اندازه اثر متوسط ($F2=0/03$) حجم نمونه نهایی ۱۲۵۰ نفر برآورد گردید. توزیع این سهمیه میان شهرستان‌های ۱۱ گانه استان به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم جمعیت صورت گرفت. گردآوری داده‌ها به روش پیمایش برخط از طریق بستر الکترونیکی «پرس‌لاین» انجام شد؛ بدین ترتیب که با اعمال غربالگری جغرافیایی در بدو ورود به پرسشنامه و استفاده از تکنیک گلوله‌برفی مجازی در شبکه‌های اجتماعی محلی شهرستان‌ها، نمونه‌های هدفمند گردآوری شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار SPSS و همچنین مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت سنجش روابط ساختاری مستقیم و غیرمستقیم مدل پژوهش با استفاده از نرم‌افزار AMOS صورت پذیرفت. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته است که مؤلفه‌های سنجش

اجتماعی برخاسته از شبکه‌های دینی؛ و سوم، از طریق حفظ امید، معنا و تاب‌آوری در شرایط محرومیت.

برآیند نظری این بحث آن است که هویت چندبعدی، متشکل از ابعاد فردی، اجتماعی، قومی، ملی و دینی، می‌تواند همچون یک سپر اجتماعی و معنایی در برابر آسیب‌های ساختاری - اقتصادی عمل کند. فقر و حاشیه‌نشینی صرفاً نتیجه کمبود منابع نیستند، بلکه در بسیاری موارد با ضعف عاملیت، فرسایش پیوندهای اجتماعی، کاهش تعلق جمعی، اختلال در افق‌های معنایی و تضعیف تعهدات هنجاری همراه می‌شوند. هرچه فرد در این ابعاد هویتی از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار باشد، ظرفیت بیشتری برای مقاومت در برابر فشارهای ساختاری، استفاده از شبکه‌های حمایتی، حفظ پیوند با جامعه و پرهیز از فروغلتیدن به موقعیت‌های طرد و زیست حاشیه‌ای خواهد داشت. به همین دلیل، در این پژوهش فرض بر آن است که هویت نه یک متغیر صرفاً توصیفی، بلکه یک منبع محافظتی و تنظیم‌گر است که می‌تواند احتمال مواجهه با فقر و حاشیه‌نشینی را کاهش دهد و درک دقیق‌تری از تفاوت‌های موجود در سطح آسیب‌پذیری اجتماعی در استان لرستان به دست دهد. بر پایه چارچوب نظری پیش‌گفته، فرضیه اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

۱- بین هویت (فردی، اجتماعی، قومی، ملی و دینی) و آسیب شناسی حاشیه‌نشینی در میان شهروندان استان لرستان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

آن بر مبنای چارچوب‌های نظری پیشین استخراج و بومی‌سازی شده است. متغیرهای اصلی این ابزار شامل پنج بعد از هویت چندبعدی (فردی، اجتماعی، قومی، ملی و دینی)، حاشیه‌نشینی و فقر است. در تبیین مفهومی متغیرهای پژوهش، هویت فردی، نشان‌دهنده برداشت درونی شخص از ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و ارزش‌های شخصی خود و میزان تلقی او از خویشتن به عنوان شخصی منحصر به فرد، هدفمند، خودآگاه و دارای انسجام روانی است (اویسرمن^۱ و دیگران، ۲۰۱۲: ۷۵؛ شوارتز^۲ و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۵۵). هویت اجتماعی ناظر بر آن بخش از هویت فرد است که از عضویت در گروه‌های اجتماعی مختلف (خانواده، دوستان، همسایگان، قومیت و غیره) و احساس تعلق به آن‌ها ناشی شده و بر نگرش‌ها و رفتارهای وی اثر می‌گذارد (جنکینز، ۱۳۹۷: ۲۳). هویت قومی به عنوان یکی از ابعاد کلیدی هویت اجتماعی، به معنای احساس تعلق، تعهد و دلبستگی عاطفی به یک گروه قومی خاص تعریف می‌شود که از طریق پیوندهای مشترک فرهنگی، زبانی، تاریخی، نمادین و سرزمینی قوام می‌یابد (فینی، ۱۹۹۰: ۶۳). هویت ملی، به عنوان عالی‌ترین سطح هویت جمعی، منعکس‌کننده احساس تعلق عمیق، وفاداری و تعهد عاطفی، شناختی و رفتاری افراد به یک ملت-دولت واحد بر بنیان وطن مشترک، نظام سیاسی، قوانین حقوقی، تاریخ، زبان رسمی و میراث فرهنگی است (اسمیت، ۱۴۰۱: ۱۴). هویت دینی، نشان‌دهنده میزان درونی‌سازی باورهای دینی، احساس تعلق به یک دین و پایبندی به ارزش‌ها و مناسک مذهبی در جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی است. (برگر، ۱۴۰۲: ۳۵). در حوزه متغیرهای آسیب‌شناختی،

حاشیه‌نشینی به عنوان پدیده‌ای فضایی-ساختاری تعریف می‌شود که در آن بخش‌هایی از جمعیت به دلیل عدم جذب در ساختار رسمی اقتصاد و مسکن شهری، در سکونتگاه‌های غیررسمی و فاقد استانداردهای متعارف اسکان یافته و بازتاب‌دهنده طرد اجتماعی، محرومیت اقتصادی و انزوای فرهنگی است (پارک^۳، ۱۹۲۸: ۸۹۳). به علاوه، فقر نه صرفاً به عنوان کمبود درآمد مادی، بلکه پدیده‌ای ساختاری، چندبعدی و به معنای محرومیت پایدار از منابع مادی، معنوی و فرصت‌های اساسی برای مشارکت فعال به عنوان عضو کامل جامعه تعریف شده است (سن، ۱۴۰۱: ۸۷). در بعد عملیاتی، سنجش تمامی متغیرها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت صورت گرفته است. برای هر یک از ابعاد هویت، ۵ گویه طراحی شده است. در خصوص گویه‌های مربوط به سنجش حاشیه‌نشینی از پاسخگویان خواسته شد نظر خود را درباره هر یک از گویه‌های طراحی شده با در نظر گرفتن افراد حاشیه‌نشین پاسخ دهند. سنجش گویه‌های مربوط به فقر نیز نگرش به فقر را جامعه را نشان می‌دهد. نگرشی که با توجه به نقش هویت می‌تواند در پیشگیری از گسترش فقر تاثیرگذار باشد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی و برآورد ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرها و گویه‌های پژوهش در جدول ۱ منعکس شده است. ارزیابی روایی سازه پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها دارای بارهای عاملی استاندارد و قابل قبولی هستند. به علاوه، چون تمام مقادیر t بزرگتر از ۱/۹۶ هستند، روایی همگرایی گویه‌ها تأیید می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای کل سازه‌ها در نمونه نهایی بالاتر از مرز پذیرفته شده (۰/۶۰)

3. Park

1. Oyserman
2. Schwartz

جدول ۱: نتایج اعتبار و پایایی سازه هویت

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	تحلیل عاملی تأییدی			ضریب آلفا
			بار عاملی	T	Sig	
هویت	فردی	در کارهای روزمره‌ام معمولاً خودم برای زندگی‌ام تصمیم می‌گیرم.	۰/۵۸	-	-	۰/۷۰
		وقتی با مشکل روبه‌رو می‌شوم، سعی می‌کنم راه‌حل پیدا کنم و منتظر دیگران نمانم.	۰/۵۸	۱۷/۲	***	
		برای کارها و برنامه‌های شخصی‌ام هدف مشخص دارم.	۰/۵۰	۱۷/۳	***	
		در بیشتر کارهای مهم، نمی‌دانم دقیقاً چه می‌خواهم و دنبال نظر دیگران می‌روم.	۰/۵۹	۱۵/۳	***	
		در برخورد با سختی‌های زندگی، زود از کاری که شروع کرده‌ام دست نمی‌کشم.	۰/۵۹	۱۷/۵	***	
	اجتماعی	در جمع‌های خانوادگی، محلی یا کاری، سعی می‌کنم رفتارم طوری باشد که دیگران روی من حساب کنند.	۰/۴۵	-	-	۰/۶۴
		برایم فرقی نمی‌کند دیگران در محل یا جمع، مرا آدم مسئولیت‌پذیر بدانند یا نه.	۰/۵۴	۱۲/۴	***	
		اگر در محل یا فامیل کاری جمعی پیش بیاید، خودم را کنار نمی‌کشم.	۰/۵۱	۱۳/۹	***	
		در ارتباط با دیگران، سعی می‌کنم نقش مفیدی داشته باشم و تماشاگر نباشم.	۰/۶۱	۱۳/۴	***	
		وقتی در جمعی حضور دارم، رعایت حرف و حق دیگران برایم مهم است.	۰/۴۷	۱۴/۹	***	
	قومی	در مراسم و مناسبت‌های قومی، حضور و مشارکت برایم اهمیت دارد.	۰/۶۰	-	-	۰/۷۱
		آداب، رسم‌ها و شیوه‌های محترمانه رفتار در قوم و طایفه‌ام را رعایت می‌کنم.	۰/۴۹	۱۷/۷	***	
		وقتی درمورد پیشینه قوم صحبت می‌شود، با آگاهی و احترام برخورد می‌کنم.	۰/۵۹	۱۵/۲	***	
		اگر لازم باشد، برای حفظ حرمت و آبروی قوم خود رفتارم را کنترل می‌کنم.	۰/۵۹	۱۷/۵	***	
		برایم مهم نیست که رسم‌ها و ویژگی‌های فرهنگی قوم خودمان کم‌کم فراموش شود.	۰/۵۷	۱۷/۵	***	
	ملی	برایم مهم نیست که رفتار من چه اثری بر تصویر مردم این کشور داشته باشد.	۰/۵۸	-	-	۰/۶۷
		در مناسبت‌های ملی، احساس می‌کنم حضور و همراهی مردم ارزش دارد.	۰/۵۱	۱۵/۶	***	
		رعایت قانون را بخشی از وظیفه هر شهروند می‌دانم.	۰/۵۵	۱۶/۶	***	
		وقتی درباره ایران صحبت می‌شود، حفظ اعتبار و پیشرفت کشور برایم مهم است.	۰/۵۷	۱۷	***	
		در استفاده از امکانات عمومی، سعی می‌کنم حق دیگران و منافع کشور رعایت کنم.	۰/۴۹	۱۵/۲	***	
	دینی	در مناسبت‌ها و آیین‌های دینی، تا حد توانم شرکت می‌کنم.	۰/۵۳	-	-	۰/۶۷
		در رفتار روزمره، سعی می‌کنم حلال و حرام و حق‌الناس را رعایت کنم.	۰/۵۶	۱۵/۵	***	
		اگر کسی نیازمند باشد، کمک کردن به او را یک وظیفه دینی می‌دانم.	۰/۴۸	۱۳/۹	***	
		در خانواده یا جمع، رعایت حرمت ارزش‌های دینی برایم مهم است.	۰/۶۱	۱۶/۴	***	
		در زندگی روزمره، مسائل دینی برای تصمیم‌ها و رفتار من اهمیت چندانی ندارد.	۰/۵۱	۱۴/۶	***	

مطلوب، همسانی درونی ابزار سنجش به منظور تحلیل‌های

ساختاری پیشرفته مورد تأیید قرار می‌گیرد.

قرار گرفته است. با توجه به افزایش مقادیر آلفا در نمونه نهایی

نسبت به مرحله پایلوت و قرارگیری تمامی ضرایب در دامنه

جدول ۲: نتایج اعتبار و پایایی سازه های فقر و حاشیه نشینی

متغیر	گویه‌ها	تحلیل عاملی تأییدی			ضریب آلفا
		بار عاملی	T	Sig	
حاشیه‌نشینی	نسبت به شرایط زندگی افراد محروم احساس دلسوزی می‌کنم.	۰/۵۰	-	-	۰/۶۲
	معتقدم همه افراد، حتی قشرهای کم‌برخوردار، باید فرصت رشد برابر داشته باشند.	۰/۵۲	۱۴/۳	***	
	از وجود تبعیض و فاصله طبقاتی در جامعه احساس نارضایتی می‌کنم.	۰/۵۲	۱۴/۳	***	
	حمایت از جوانان کم‌برخوردار از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند.	۰/۴۶	۱۳/۳	***	
	مشکلات زندگی محرومان مربوط به خودشان می‌دانم و خود را درگیر آن نمی‌کنم.	۰/۵۰	۱۴/۱	***	
فقر	فقر را یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز آسیب‌های اجتماعی می‌دانم.	۰/۴۳	-	-	۰/۶۶
	نسبت به فشار اقتصادی خانواده‌های کم‌درآمد احساس نگرانی می‌کنم.	۰/۵۱	۱۲/۶	***	
	باور دارم که ناتوانی مالی می‌تواند آرامش خانواده را از بین ببرد.	۰/۶۱	۱۳/۷	***	
	فقر را مسئله‌ای شخصی می‌دانم و معتقدم ارتباطی با مشکلات اجتماعی ندارد.	۰/۵۹	۱۳/۶	***	
	کمک به افراد نیازمند و کاهش فقر را برای سلامت جامعه ضروری می‌دانم.	۰/۵۲	۱۲/۷	***	

یافته‌ها

جمعیت شناختی پژوهش حاضر به طور کامل در جدول ۳

آمده است.

در پژوهش حاضر، هویت به‌عنوان سازه‌ای چندبعدی و متغیری مستقل، در پنج بُعد شامل هویت فردی، اجتماعی، قومی، ملی و دینی سنجیده شده است. ابعاد «هویت محلی» و «هویت اخلاقی» مطابق درخواست، از تحلیل حاضر حذف شده‌اند. هر یک از ابعاد مذکور با پنج گویه و بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» اندازه‌گیری شده است. در ادامه، ابتدا شاخص‌های توصیفی و شکل توزیع ابعاد هویت و سپس توزیع پاسخ‌ها و میانگین گویه‌های مربوط ارائه می‌شود. در جدول ۴، آماره‌های توصیفی و شاخص‌های شکل توزیع متغیر هویت و ابعاد آن و متغیر حاشیه‌نشینی و فقر آمده است. بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۴، میانگین تمامی ابعاد پنج‌گانه متغیر هویت، مجموع نمره هویت و نیز متغیرهای آسیب‌شناختی حاشیه‌نشینی و فقر

نمونه‌های پژوهش از نظر توزیع جغرافیایی، بیشترین تمرکز را در شهرهای خرم‌آباد و بروجرد دارد و حدود سه‌چهارم آنها در مناطق شهری سکونت دارند. توزیع جنسیتی نمونه تقریباً متوازن است؛ به‌گونه‌ای که ۵۰/۷٪ مرد و ۴۹/۳٪ زن هستند. از نظر سنی، بیشترین فراوانی به گروه‌های ۲۵ تا ۳۴ سال و ۳۵ تا ۴۴ سال تعلق دارد که نشان‌دهنده غلبه جمعیت در سنین فعال اجتماعی و اقتصادی است. همچنین، بیشتر پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم یا کارشناسی بوده‌اند؛ درحالی‌که میانه تحصیلات در سطح کاردانی قرار دارد. از حیث وضعیت اشتغال، ۴۷/۳٪ شاغل، ۲۴/۶٪ بیکار در جست‌وجوی کار و ۲۸/۱٪ نیز غیرفعال اقتصادی بوده‌اند. افزون بر این، اکثریت افراد متأهل هستند و پایگاه اقتصادی- اجتماعی غالب نمونه در سطح متوسط قرار دارد. ویژگی‌های

جدول ۳. ویژگی‌های زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی پاسخگویان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
شهر محل سکونت	خرم‌آباد	۳۱۷	۲۵/۴
	بروجرد	۳۰۴	۲۴/۳
	دورود	۱۱۷	۹/۴
	کوه‌دشت	۱۱۲	۹
	دلفان	۹۶	۷/۷
	الیگودرز	۹۲	۷/۴
	سلسله	۵۱	۴/۱
	ازنا	۵۰	۴
	پلدختر	۴/۹	۳/۹
	چگنی	۳۱	۵/۲
	رومشکان	۳۱	۵/۲
	شهری	۹۰۶	۷۲/۵
محل سکونت	روستایی	۳۴۴	۲۷/۵
گروه سنی	۱۸ تا ۲۴ سال	۱۹۹	۱۵/۹
	۲۵ تا ۳۴ سال	۳۱۲	۲۵
	۳۵ تا ۴۴ سال	۳۰۲	۲۴/۲
	۴۵ تا ۵۴ سال	۲۳۲	۱۸/۶
	۵۵ تا ۶۴ سال	۱۴۲	۱۱/۴
	۶۵ سال و بالاتر	۶۳	۵
	مرد	۶۳۴	۵۰/۷
جنسیت	زن	۶۱۶	۴۹/۳
سطح تحصیلات	کمتر از دیپلم	۱۸۶	۱۴/۸
	دیپلم/ کاردانی	۵۳۴	۳۵/۴
	کارشناسی	۳۵۸	۲۸/۶
	کارشناسی ارشد	۱۰۶	۸/۵
	دکتری تخصصی	۶۶	۵/۳
وضعیت اشتغال	شاغل	۵۹۱	۴۷/۳
	بیکار	۳۰۸	۲۴/۶
	غیرفعال اقتصادی	۳۵۱	۲۸/۱
وضعیت تأهل	مجرد	۴۵۱	۳۶/۱
	متاهل	۳/۵۸	۵۸/۳
	مطلقه	۶/۵	۵/۶
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	پایین	۱۳۲	۱۰/۶
	متوسط	۱۰۶۸	۸۵/۵
	بالا	۵۰	۴

در شاخص حاشیه‌نشینی، جهت‌گیری غالب پاسخ‌گویان همدلانه و عدالت‌خواهانه است؛ به گونه‌ای که گویه «احساس دلسوزی نسبت به محرومان» با میانگین ۳/۴۴ و تمرکز پاسخ‌ها در سطوح «زیاد/خیلی زیاد» بالاترین وضعیت را دارد. در مقابل، گویه‌های نگرشی هنجاری (مانند «فرصت رشد برابر» با میانگین ۳/۰۷ و «حمایت از جوانان کم‌برخوردار» با ۳/۰۲ میانگین پایین‌تری دارند که دلالت بر فاصله نسبی میان همدلی عاطفی و ارزیابی‌های سیاستی/نهادی دارد. در شاخص فقر، توافق با نقش فقر به عنوان زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی و تهدیدکننده آرامش خانواده نیز ضرورت کمک به نیازمندان نسبتاً بالا است و نشان می‌دهد فقر عمدتاً به مثابه مسئله‌ای اجتماعی ادراک می‌شود.

جدول ۴. آماره‌های توصیفی و شاخص‌های شکل توزیع متغیر هویت، حاشیه‌نشینی و فقر

متغیر	ابعاد	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
هویت	هویت فردی	۱۲۵۰	۵	۲۵	۱۷/۶۶	۳/۳۷	-۰/۲۴۹	-۰/۱۶۲
	هویت اجتماعی	۱۲۵۰	۷	۲۵	۱۷/۳۸	۳/۳۸	-۰/۲۳۸	-۰/۳۸۸
	هویت قومی	۱۲۵۰	۶	۲۵	۱۷/۷۰	۳/۳۷	-۰/۲۶۴	-۰/۲۱۳
	هویت ملی	۱۲۵۰	۶	۲۵	۱۸/۶۳	۳/۴۳	-۰/۲۷۸	-۰/۲۲۱
	هویت دینی	۱۲۵۰	۷	۲۵	۱۷/۵۸	۳/۴۲	-۰/۳۲۴	-۰/۱۴۴
	مجموع	۱۲۵۰	۴۹	۱۷۳	۱۲۳/۵۴	۲۰/۲۱	-۰/۲۴۶	-۰/۰۶۸
حاشیه‌نشینی	-	۱۲۵۰	۶	۲۴	۱۵/۵۸	۳/۳۵	-۰/۰۲۸	-۰/۳۶۶
فقر	-	۱۲۵۰	۸	۲۵	۱۶/۴۶	۳/۲۴	-۰/۰۷۹	-۰/۳۸۹

نسبت به کاهش این آسیب‌ها است، وجود رابطه مثبت و معنادار بدین معناست که با تقویت نظام هویتی پاسخ‌گویان، میزان حساسیت اجتماعی و آمادگی برای پیشگیری از آسیب‌های ساختاری-اقتصادی (فقر و حاشیه‌نشینی) به طور معناداری افزایش می‌یابد. این یافته، مبنای تجربی محکمی برای فرضیه محوری پژوهش فراهم می‌سازد. بررسی ضرایب

بالاتر از نقطه میانی نظری مقیاس‌های مربوطه قرار دارد. توزیع متغیر هویت حاکی از غلبه نسبی هویت ملی و سپس هویت قومی در جامعه مورد مطالعه است، در حالی که هویت اجتماعی کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. ارزیابی شاخص‌های شکل توزیع مؤید آن است که مقادیر چولگی و کشیدگی برای تمامی متغیرها و ابعاد در دامنه استاندارد و بهینه (بین -۱ و +۱) قرار دارند. این بهنجاری توزیع، پیش‌شرط لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک و مدل‌سازی معادلات ساختاری جهت بررسی روابط علی میان هویت و آسیب‌شناسی حاشیه‌نشینی و فقر را تأمین می‌کند.

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۵، ضریب همبستگی پیرسون میان نمره کل هویت با حاشیه‌نشینی برابر با ۰/۴۰۹ و با فقر برابر با ۰/۴۲۶ است که هر دو ضریب در سطح اطمینان ۹۹ درصد از نظر آماری معنادار هستند. با توجه به نوع سنجش متغیرها که در آن نمرات بالاتر نشان‌دهنده دغدغه‌مندی، حساسیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری کنشگران

همبستگی ابعاد هویت با متغیر حاشیه‌نشینی نشان می‌دهد که تمامی ابعاد پنج‌گانه دارای رابطه مستقیم و معناداری با این متغیر هستند. در این میان، هویت فردی با ضریب ۰/۳۶۶ قوی‌ترین رابطه را با آسیب شناسی حاشیه‌نشینی دارد و پس از آن به ترتیب هویت ملی (۰/۳۵۷)، هویت قومی (۰/۳۵۳)، هویت اجتماعی (۰/۳۳۵) و هویت دینی (۰/۳۳۱) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این الگو نشان می‌دهد که عاملیت فردی خوداتکا و مسئولیت‌پذیر (هویت فردی) در کنار احساس تعلق به کلان‌جامعه (هویت ملی) و پیوندهای بومی (هویت قومی)، قوی‌ترین ضربه‌گیرهای روانی-اجتماعی در کاهش پذیرش و بازتولید شرایط حاشیه‌نشینی هستند. ضرایب

همبستگی ابعاد هویت با متغیر فقر نیز همگی مثبت و در سطح معنادار هستند. در تبیین فقر، هویت ملی با ضریب همبستگی ۰/۳۷۶ بالاترین میزان همبستگی را نشان می‌دهد؛ یافته‌ای که دلالت بر این دارد که تعهد شهروندی و ملی، حساسیت به توزیع عادلانه منابع و کاهش فقر را به عنوان یک آرمان جمعی تقویت می‌کند. پس از هویت ملی، به ترتیب هویت فردی (۰/۳۶۹)، هویت اجتماعی (۰/۳۵۵)، هویت قومی (۰/۳۵۰) و هویت دینی (۰/۳۴۶) بیشترین همبستگی را با فقر دارند. این امر حاکی از آن است که نظام هویتی منسجم، نگرش کنشگران را از نگاه تقدیرگرایانه یا شخصی به فقر، به سمت نگاهی ساختاری و مسئولانه سوق می‌دهد.

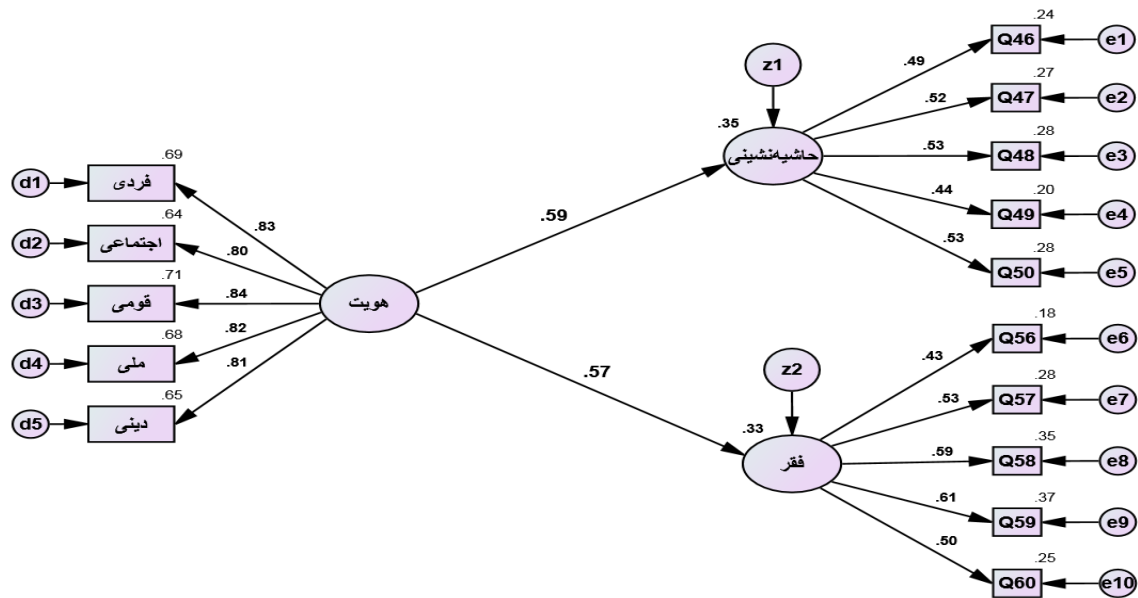
جدول ۵. ضرایب همبستگی پیرسون هویت و ابعاد پنج‌گانه آن با حاشیه‌نشینی و فقر

متغیرهای مستقل	حاشیه‌نشینی	فقر
هویت فردی	۰/۳۶۶ **	۰/۳۹۶ **
هویت اجتماعی	۰/۳۳۵ **	۰/۳۵۵ **
هویت قومی	۰/۳۵۳ **	۰/۳۵۰ **
هویت ملی	۰/۳۵۷ **	۰/۳۷۶ **
هویت دینی	۰/۳۳۱ **	۰/۳۴۶ **
هویت کل	۰/۴۰۹ **	۰/۴۲۶ **

** نشان‌دهنده معناداری در سطح $p < 0/01$ است.

به‌منظور آزمون روابط علی میان هویت (متغیر مکنون برون‌زا) و پیشگیری از حاشیه‌نشینی و فقر (متغیرهای مکنون درون‌زا)، مدل معادلات ساختاری برآورد شد. در مدل اندازه‌گیری، سازه هویت پنج بُعد (هویت دینی، ملی، قومی، اجتماعی و فردی) و سازه‌های پیشگیری از حاشیه‌نشینی با گویه‌های (Q45 – Q50) و پیشگیری از فقر با گویه‌های (Q56 – Q60) سنجیده شدند. سپس در بخش ساختاری، مسیرهای مستقیم تأثیر هویت بر پیشگیری از حاشیه‌نشینی و فقر آزمون گردیدند. بر اساس یافته‌های جدول ۶، هرچند نسبت مجذور

کای به درجه آزادی به‌دلیل حساسیت ساختاری این آماره به حجم نمونه بزرگ پژوهش، برابر با ۵/۷۹۶ محاسبه شده و اندکی بالاتر از آستانه سخت‌گیرانه قرار دارد، اما شاخص‌های نیکویی برازش (۰/۹۵)، برازش تطبیقی (۰/۹۳) و شاخص تاکر-لویس (۰/۹۲) از ملاک پذیرش استاندارد (۰/۹۰) فراتر رفته‌اند. همچنین، ریشه میانگین مجذور خطای تقریبی برابر با ۰/۰۶۲ است که نشان‌دهنده انحراف ناچیز مدل از داده‌های واقعی، پایداری ساختار تحلیل و در مجموع برازش کاملاً مطلوب و پذیرفتنی مدل ساختاری پژوهش است.



شکل ۱. مدل معادله ساختاری پژوهش

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص برازش	مقدار محاسبه شده	ملاک پذیرش	وضعیت برازش مدل
کای اسکوتر هنجار شده	۵/۷۹۶	کمتر از ۵ (قابل قبول)	مرزی / پذیرفتنی در نمونه بزرگ
شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص نیکویی برازش	۰/۹۵	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص برازش نرمال شده	۰/۹۲	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص برازش افزایشی	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص تاکر-لونیس	۰/۹۲	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
ریشه میانگین مجذور خطای تقریب	۰/۰۶۲	کمتر از ۰/۹۰	قابل قبول (نزدیک به مطلوب)
شاخص نیکویی برازش مقتصد	۷۰	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص برازش مقتصد هنجار شده	۰/۷۷	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	مطلوب

نتایج آن در جدول ۷ آمده است. یافته‌های مستخرج از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان‌دهنده نقش بنیادی هویت چندبعدی در پیشگیری و کاهش ادراک آسیب‌های ساختاری-اقتصادی در استان لرستان است:

پس از احراز برازش مناسب مدل، ضرایب مسیر غیراستاندارد و استاندارد به همراه نسبت بحرانی برای بررسی معناداری روابط میان متغیر مکنون هویت چندبعدی با متغیرهای پیشگیری از حاشیه‌نشینی و فقر مورد تحلیل قرار گرفت و

۱. تحلیل مسیر هویت به پیشگیری از حاشیه‌نشینی: ضریب استاندارد این مسیر برابر با ۰/۵۸۸ است. با توجه به نسبت بحرانی ۱۱/۸۳۲ که از آستانه بحرانی ۱/۹۶ بسیار بزرگ‌تر است، این رابطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین ۰/۳۴۶ بیانگر آن است که هویت به‌تنهایی توانسته است ۳۴/۶ درصد از تغییرات متغیر حاشیه‌نشینی (گرایش به پیشگیری و کنترل آسیب‌های مرتبط با آن) را تبیین کند. از منظر کیفی و بومی، انسجام هویتی به عنوان سرمایه فرهنگی عمل کرده و با فعال‌سازی پیوندهای اجتماعی، مانع از شکل‌گیری فضاهای بی‌سازمان شهری و پذیرش انفعالی حاشیه‌نشینی می‌شود.

۲. تحلیل مسیر هویت به فقر: ضریب مسیر استاندارد برای رابطه هویت چندبعدی و فقر برابر با ۰/۵۷۱ است. با توجه به مقدار نسبت بحرانی ۱۰/۹۵۲، این مسیر نیز در سطح معنادار است. ضریب تعیین این متغیر ۰/۳۲۶ نشان می‌دهد که متغیر هویت توانسته است ۳۲/۶ درصد از واریانس نگرش، عاملیت و حساسیت کنشگران در پیشگیری از فقر را تبیین نماید. این یافته بدین معناست که هویت متوازن، با تقویت احساس کارآمدی و مسئولیت‌پذیری جمعی، مواجهه فعالانه با فقر ساختاری را جایگزین انفعال معیشتی می‌کند.

جدول ۷. تحلیل ضرایب مسیر و آزمون فرضیات ساختاری پژوهش

فرضیه	مسیر ساختاری در مدل	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	ضریب استاندارد	ضریب تعیین	سطح معناداری	نتیجه فرضیه
۱	هویت ← پیشگیری از حاشیه‌نشینی	۰/۱۱۲	۰/۰۰۹	۱۱/۸۳۲	۰/۵۸۸	۰/۳۴۶	۰/۰۰۱	تأیید
۲	هویت ← پیشگیری از فقر	۰/۰۹۸	۰/۰۹۰	۱۰/۹۵۲	۰/۵۷۱	۰/۳۲۶	۰/۰۰۱	تأیید

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در مجموع نشان می‌دهد که فهم فقر و حاشیه‌نشینی در استان لرستان، بدون توجه به لایه‌های هویتی و معنایی زندگی اجتماعی، فهمی ناقص و تقلیل‌گرایانه خواهد بود. این پژوهش با تمرکز بر هویت به مثابه یک سازه چندبعدی و اجتماعی، کوشید نشان دهد که پیشگیری از آسیب‌های ساختاری - اقتصادی تنها به میزان دسترسی به منابع مادی وابسته نیست، بلکه به سطح انسجام فرد با خویش، شبکه‌های اجتماعی، تعلقات قومی، پیوندهای ملی و تعهدات دینی نیز وابسته است. نتایج توصیفی نیز مؤید آن بود که پاسخ‌گویان، در مجموع، از سطح نسبتاً مطلوبی از

هویت برخوردار بوده‌اند و در میان ابعاد مختلف، هویت ملی و دینی میانگین بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند، هرچند همه ابعاد هویتی بالاتر از نقطه میانی مقیاس قرار داشته‌اند؛ امری که از وجود ظرفیت‌های هویتی قابل اتکا در بافت اجتماعی استان حکایت دارد.

بر مبنای پرسش اصلی پژوهش، یعنی این‌که هویت چه رابطه‌ای با پیشگیری از فقر و حاشیه‌نشینی در استان لرستان دارد، یافته‌های مدل ساختاری پاسخ روشنی ارائه می‌کند: هویت دارای رابطه‌ای مثبت، مستقیم و معنادار با پیشگیری از فقر و نیز پیشگیری از حاشیه‌نشینی است. به بیان دقیق‌تر، هرچه انسجام هویتی افراد در ابعاد فردی، اجتماعی، قومی،

ملی و دینی تقویت شود، گرایش آنان به کنش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های بازدارنده در برابر فقر و حاشیه‌نشینی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج نشان داد که اثر هویت بر پیشگیری از حاشیه‌نشینی اندکی قوی‌تر از اثر آن بر پیشگیری از فقر است؛ یافته‌ای که می‌تواند بیانگر آن باشد که حاشیه‌نشینی، به دلیل پیوند مستقیم‌تر با طرد اجتماعی، گسست تعلق و تضعیف شبکه‌های ارتباطی، حساسیت بیشتری نسبت به منابع هویتی و پیوندهای نمادین دارد. از این رو، هویت در این پژوهش صرفاً یک متغیر فرهنگی یا روان‌شناختی فرعی نیست، بلکه به منزله ظرفیتی تبیینی و پیشگیرانه ظاهر شده است که بخشی مهم از تفاوت‌های موجود در آمادگی شهروندان برای مقابله با این آسیب‌ها را توضیح می‌دهد.

بررسی فرضیه‌های پژوهش نیز به روشنی نشان داد که هر دو فرضیه اصلی تأیید می‌شوند. فرضیه نخست مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار میان هویت و پیشگیری از حاشیه‌نشینی، با ضریب اثر نسبتاً بالا و معناداری بسیار قوی تأیید شد. فرضیه دوم نیز که رابطه مثبت و معنادار میان هویت و پیشگیری از فقر را مطرح می‌کرد، مورد تأیید قرار گرفت. بدین ترتیب، می‌توان گفت که در جامعه مورد مطالعه، هویت چندبعدی نه تنها با کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی پیوند دارد، بلکه در سطحی فراتر، نقش نوعی سپر اجتماعی و معنایی را ایفا می‌کند که افراد را در برابر فشارهای ساختاری مقاوم‌تر می‌سازد. افزون بر این، الگوی بارهای عاملی نشان داد که همه ابعاد پنج‌گانه در تکوین سازه هویت سهم معنادار و نیرومندی دارند و در این میان، هویت قومی، هویت فردی و هویت ملی از برجستگی بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ نتیجه‌ای که با ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی استان لرستان نیز

همخوانی دارد. یافته‌های این پژوهش با بخش مهمی از پیشینه داخلی و خارجی همسو است. در سطح مطالعات داخلی، نتایج حاضر با پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند نابرابری اقتصادی، طرد اجتماعی، تبعیض و برچسب‌زنی به تضعیف تعلقات اجتماعی و بحران هویتی می‌انجامد، سازگاری دارد. از یک سو، نتایج مردانلو و دیگران، دانش و دیگران، هزارجریبی و دیگران، صفا و دیگران و کرمی و دیگران همگی بر این نکته تأکید داشتند که فقر، طرد و نابرابری صرفاً وضعیت‌هایی مادی نیستند، بلکه در سطح نمادین و هویتی نیز عمل می‌کنند و از خلال تضعیف احساس تعلق، تشدید انگ‌خوردگی و فرسایش هویت‌های جمعی، بازتولید می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاضر این بحث را در جهت معکوس نیز تأیید می‌کند؛ بدین معنا که اگر تضعیف هویت می‌تواند آسیب‌پذیری را افزایش دهد، تقویت هویت نیز می‌تواند نقش محافظتی و بازدارنده ایفا کند. در سطح مطالعات خارجی نیز نتایج حاضر با یافته‌های کیتاشویلی، اوکولی و مانبروک، مائلئوس و دیگران و فلیشمان و دیگران همخوان است؛ زیرا آن مطالعات نیز نشان داده‌اند که در شرایط بحران‌های ساختاری، هویت منسجم می‌تواند به منزله منبعی برای تاب‌آوری، کاهش احساس تبعیض، حفظ عزت نفس، تقویت انسجام روانی - اجتماعی و مقاومت در برابر طرد عمل کند. با این حال، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که این ظرفیت محافظتی را نه صرفاً در حوزه پیامدهای روانی یا تجربیات تبعیض، بلکه در نسبت مستقیم با پیشگیری از دو آسیب ساختاری - اقتصادی مهم، یعنی فقر و حاشیه‌نشینی، و آن هم در مقیاس استانی و در زمینه‌ای با ویژگی‌های خاص فرهنگی و قومی آزمون کرده است. از منظر چارچوب نظری نیز نتایج به نحو قابل قبولی با منطق نظری

پژوهش انطباق دارد. یافته‌ها با دیدگاه مرتون سازگار است؛ زیرا نشان می‌دهد در مواجهه با فشارهای ناشی از نابرابری و محدودیت فرصت‌ها، همه افراد به یک اندازه مستعد فرورفتن در مسیرهای آسیب‌زا نیستند و بخشی از این تفاوت را باید در منابع هویتی آنان جست‌وجو کرد. همچنین، نتایج در پرتو نظریه پیوند اجتماعی هیرشی نیز قابل تبیین است؛ زیرا هرچه فرد پیوند عمیق‌تری با جامعه، ارزش‌ها، گروه‌ها و افق‌های معنایی داشته باشد، احتمال گرایش او به زیست حاشیه‌ای و افتادن در چرخه بازتولید فقر کاهش می‌یابد. در همین چارچوب، هویت فردی از طریق تقویت عاملیت، هدف‌مندی و مسئولیت‌پذیری، هویت اجتماعی از طریق تحکیم اعتماد، مشارکت و شبکه‌های حمایتی، هویت قومی از مسیر بسیج همبستگی و حمایت غیررسمی، هویت ملی از رهگذر تقویت تعلق به خیر عمومی و نظم اجتماعی، و هویت دینی از طریق معنابخشی، امید، خودمهاری و پشتوانه اخلاقی، می‌توانند به کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای ساختاری یاری رسانند. بنابراین، یافته‌ها از این ادعای نظری حمایت می‌کنند که هویت چندبعدی، سازه‌ای تنظیم‌گر و محافظتی است و نه صرفاً شاخصی برای توصیف وضعیت فرهنگی افراد.

در جمع‌بندی، پژوهش حاضر نشان داد هویت چندبعدی در استان لرستان با پیشگیری از فقر و حاشیه‌نشینی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد و از ظرفیت تبیین‌کنندگی قابل قبولی در توضیح تفاوت‌های موجود در آمادگی افراد برای مقابله با این آسیب‌ها برخوردار است. فقر و حاشیه‌نشینی را نباید فقط در

سطح سیاست‌های اقتصادی، اشتغال یا توزیع خدمات تحلیل و مدیریت کرد، بلکه لازم است به تقویت پیوندهای هویتی، احساس تعلق، سرمایه‌های فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی نیز توجه شود. به عبارت بهتر سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه، زمانی از اثربخشی بیشتری برخوردار است که در کنار مداخلات مادی و رفاهی، به بازسازی و تقویت ابعاد فردی، اجتماعی، قومی، ملی و دینی هویت به مثابه منابع پیشگیرانه و ارتقادهنده تاب‌آوری اجتماعی توجه شود. البته، با توجه به مقطعی بودن طرح پژوهش، نتایج حاضر باید در چارچوب روابط آماری و تبیینی تفسیر شود؛ با این حال، شواهد به دست آمده به قدر کافی روشن است که هویت را به منزله یکی از مؤلفه‌های بنیادین در فهم و پیشگیری از آسیب‌های ساختاری - اقتصادی در استان لرستان به رسمیت بشناسد.

ملاحظات اخلاقی: کسب رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی اطلاعات هویتی و حق انصراف آزادانه از مطالعه به‌طور کامل رعایت شده است.

تقدیر و تشکر: نویسندگان مراتب قدردانی خود را از مرکز تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان لرستان (فراجا) و فراجای استان تهران به‌جهت حمایت مادی و معنوی؛ و پاسخگویان محترم به جهت مشارکت مسئولانه در تکمیل پرسشنامه‌ها، صمیمانه ابراز می‌دارند.

تضاد منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

منابع فارسی

اسمیت، آنتونی. (۱۴۰۱). *نمادگرایی قومی و ملی‌گرایی*. ترجمه حمیدرضا زیبایی. تهران: فرهامه.

اسماعیل‌زاده، حسن، زرندی، مرجان. (۱۴۰۰). مطالعه ای جامعه شناختی پیرامون وضعیت آسیب‌های اجتماعی شهرستان خرم آباد (۱۳۹۹). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۵(۴)، ۲۷-۳.

<https://doi.org/10.22034/jss.2022.530819.1537>

اریکسون، توماس. (۱۳۹۸). قومیت و ملی‌گرایی. ترجمه حمیدرضا زیبایی. تهران: فرهامه.
 اندرسون، بندیک. (۱۳۹۳). جماعت‌های تصویری. ترجمه محمد محمدی. تهران: رخداد نو.
 امان‌الهی بهاروند، سکندر. (۱۳۷۹). لرها: تحلیلی تاریخی - جامعه‌شناختی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲(۶)، ۲۴۲-۲۲۱.

<https://www.ensani.ir/fa/article/154156>

باومن، زیگمونت. (۱۴۰۳). *مدرنیته سیال*. ترجمه حمیده محمدزاده. تهران: نقد فرهنگ.
 برگر، پیتر. (۱۴۰۲). *سایبان مقدس: عناصر نظریه جامعه‌شناختی دین*. ترجمه ابوالفضل مرشدی. تهران: ثالث.
 پاتنام، رابرت. (۱۴۰۱). *بولینگ تنهایی*. ترجمه قربان عباسی. تهران: مسأله.
 جنکینز، ریچارد. (۱۳۹۷). *هویت اجتماعی*. ترجمه اکبر محمدی. تهران: تمدن علمی.
 دانش، پروانه، عبداللہیان، حمید، زاهدی، محمدجواد، توکلی خمینی، عاطفه. (۱۴۰۲). «تجربه‌زیسته زنان بی‌خانمان معتاد شهر تهران از هویت اجتماعی؛ مطالعه پدیدارشناختی». *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۶(۱۰۱)، ۳۲-۷.

<https://doi.org/10.22095/jwss.2024.417585.3317>

دورکیم، امیل. (۱۴۰۱). *صور بنیانی حیات دینی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
 دیلینی، تیم. (۱۳۹۸). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نی.
 سن، آمارتیا. (۱۴۰۱). *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه محمد سعید نوری نائینی. تهران: نی.
 صفا، سوسن، ترکمان، فرح، صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۴۰۲). تأثیر احساس تبعیض قومی در هویت جمعی جوانان کرد کرمانج خراسان شمالی؛ مطالعه موردی شهرهای کرمانج‌نشین خراسان شمالی در سال ۱۳۹۹. *امنیت ملی*، ۱۳(۴۷)، ۱۸۰-۱۵۷.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.33292538.1402.13.47.7.1>

صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: سمت.
 علی‌بیگی، محمد. (۱۴۰۱). *مؤلفه‌های هویت و رفتارهای پرخطر جوانان لرستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه لرستان.
 کاستلز، مانوئل. (۱۴۰۲). *عصر اطلاعات: قدرت هویت*. ترجمه احد علیقلیان. تهران: نشر نو.
 کرمی، مهناز، قاضی‌نژاد، مریم، اعظم‌آزاده، منصوره. (۱۴۰۲). تبیین رابطه هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی در بین دو گروه دانشجویان شیعه و سنی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۴(۱)، ۲۶۰-۲۳۷.

<https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.237>

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
 مردانلو، ابراهیم، غلامی، محمدرضا، نوری، هادی. (۱۴۰۴). تبیین ارتباط بین فرهنگ حاشیه‌نشینی و احساس تعلق به هویت ملی؛ مطالعه موردی حاشیه‌نشینان شهر زنجان. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۷(۱)، ۸۵-۷۲.

<https://doi.org/10.22034/scart.2024.140158.1417>

مید، جرج هربرت. (۱۴۰۳). *ذهن، خود و جامعه*. ترجمه حسن خیاطی. تهران: بان.
 مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). *گزارش وضعیت اشتغال و بیکاری استان‌ها*. تهران: مرکز آمار ایران.
 مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. تهران: مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۴). سالنامه آماری کشور ۱۴۰۳. تهران: مرکز آمار ایران.
- وزارت کشور. (۱۳۹۹). گزارش وضعیت حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران. تهران.
- وصالی، سعید، قاسمی نژاد، ابوذر (۱۳۹۸). مطالعه داده بنیاد حاشیه نشینی و توسعه ی اجتماعی: شناسایی شرایط مداخل هگر، راهبردها و پیامدهای تحقق نیافتگی توسعه ی اجتماعی در بین حاشیه نشینان پاکدشت، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۴ (۲)، ۹۳-۱۲۶.
- <https://doi.org/10.22055/qjsd.2020.15402>
- هزارجریبی، جعفر، شالچی، سمیه، وزیری، مهدی (۱۴۰۲). نسبت سیاست‌های حاشیه‌نشینی با هویت ساکنان حاشیه؛ مطالعه موردی حاشیه‌نشینی شهر تهران. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۱ (۲)، ۱۱۸-۱۰۱.
- <https://doi.org/10.22034/jeds.2023.57758.1742>
- یوسف‌وند، حسن‌رضا. (۱۴۰۴). تأثیر فقر و محرومیت اجتماعی بر جرایم علیه اموال در استان لرستان: تحلیلی مبتنی بر نابرابری‌های منطقه‌ای. *فصلنامه جامعه‌شناسی صنعتی*، ۲ (۱)، ۱۹۴-۱۷۸.
- <https://doi.org/10.22034/jis.2025.2057708.1029>

References

- Alibeigi, M. (2022). *Components of identity and high-risk behaviors among youth in Lorestan* (Master's thesis in Sociology). Lorestan University, Khorramabad, Iran. [In Persian]
- Amanolahi Baharvand, S. (2000). The Lurs: A historical-sociological analysis. *National Studies Journal*, 2(6), 221-242. [In Persian]
- <https://www.ensani.ir/fa/article/154156>
- Anderson, B. (2014). *Imagined communities*. (M. Mohammadi, Trans.). Tehran: Rokhdad-e No. [In Persian]
- Bauman, Z. (2024). *Liquid modernity*. (H. Mohammadzadeh, Trans.). Tehran: Naghd-e Farhang. [In Persian]
- Berger, P. (2023). *The sacred canopy: Elements of a sociological theory of religion*. (A. Morshedi, Trans.). Tehran: Sales. [In Persian]
- Castells, M. (2023). *The information age: The power of identity*. (A. Aligholian, Trans., Vol. 2). Tehran: Nashr-e No. [In Persian]
- Delaney, T. (2019). *Classical sociological theories*. (B. Sedighi, & V. Tolouei, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Danesh, P., Abdollaheian, H., Zahedi, M., & Tavakoli khomeini, A. (2023). The lived experience of addicted homeless women in Tehran from social identity: A phenomenological study. *Women's Strategic Studies*, 26(101), 7-32. [In Persian]
- <https://doi.org/10.22095/jwss.2024.417585.3317>
- Durkheim, E. (2022). *The elementary forms of religious life*. (B. Parham, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
- Eriksen, T. (2019). *Ethnicity and nationalism*. (H. Zibae, Trans.). Tehran: Farhameh. [In Persian]
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton & Company.
- Esmailzadeh, H., & Zarandi, M. (2021). A sociological study on the status of social harms in Khorramabad (2020). *Journal of Iranian Social Studies*, 15(4), 3-27. [In Persian]
- <https://doi.org/10.22034/jss.2022.530819.1537>

- Fleischmann, F., Leszczensky, L., & Pink, S. (2019). Identity threat and identity multiplicity among minority youth: Longitudinal relations of perceived discrimination with ethnic, religious, and national identification in Germany. *British Journal of Social Psychology*, 58(1), 971-990.
<https://doi.org/10.1111/bjso.12324>
- Giddens, A. (2019). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. (N. Mofaghian, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Griffin, K. (2000). *Problems of poverty and marginalization*. Available at:
<https://hdl.handle.net/20.500.14394/40193>.
- Hezarjaribi, J., Shalchi, S., & Vaziri, M. (2023). The relation of marginalization policies with the identity of suburban residents: A case study of Tehran suburbanization. *Journal of Economic Sociology and Development*, 11(2), 101-118. [In Persian]
- Jenkins, R. (2018). *Social identity*. (A. Mohammadi, Trans.). Tehran: Tamadon-e Elmi. [In Persian]
- Karami, M., Ghazinejad, M., & Azam Azadeh, M. (2023). Explaining the relationship between religious identity and social status with the feeling of social exclusion among Shia and Sunni students. *Social Problems of Iran*, 14(1), 237-260. [In Persian]
<https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.237>
- Kitiashvili, A. (2024). Navigating negative social identity: Virtual identity as a coping strategy for unemployed youth. *Psychology and Behavioral Sciences*, 13(6), 142-153.
<https://doi.org/10.11648/j.pbs.20241306.12>
- Kitiashvili, A., Abashidze, T., & Zhvania, I. (2022). To be young, alienated and unemployed: Social identity, attitudes and well-being of Georgia's NEET youth. *Problems of Psychology in the 21st Century*, 16(1), 20-35.
<https://doi.org/10.33225/ppc/22.16.20>
- Mardanloo, I., Gholami, M., & Nouri, H. (2025). Explaining the relationship between the culture of marginalization and the sense of belonging to national identity: A case study of marginal residents of Zanjan. *Sociology of Culture and Art*, 7(1), 72-85 [In Persian]
<https://doi.org/10.22034/scart.2024.140158.1417>
- Mead, G. H. (2024). *Mind, self, and society*. (H. Khayati, Trans.). Tehran: Ban. [In Persian]
- Merton, R. K. (1938). Social structure and anomie. *American Sociological Review*, 3(5), 672-682.
<https://www.jstor.org/stable/2084686>
- Ministry of Interior. (2020). *Report on the status of marginalization in Iranian cities*. Tehran: Ministry of Interior. [In Persian]
- Muhlhaus, J., Bouwmeester, O., & Khapova, S. N. (2021). An exploration of obstacles to identity play during unemployment. *Career Development International*, 26(3), 333-347.
<https://doi.org/10.1108/CDI-10-2019-0238>
- Okolie, S. O., & Manyeruke, G. (2024). The impact of discrimination on the psychological wellbeing and ethnic identity of international students in North Cyprus. *Environment and Social Psychology*, 9(5), 1-16.
<https://esp.as-pub.com/index.php/esp/article/view/2247>
- Oyserman, D., Elmore, K., & Smith, G. (2012). Self, self-concept, and identity. In: M. R. Leary & J. P. Tangney (Eds.), *Handbook of self and identity* Guilford Press.
- Park, R. E. (1928). Human migration and the marginal man. *American Journal of Sociology*, 33(6), 881-893.
<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3077344>

- Phinney, J. S. (1990). Ethnic identity in adolescents and adults: Review of research. *Psychological Bulletin*, 108(3), 499-514.
<https://doi.org/10.1037/0033-2909.108.3.499>
- Putnam, R. (2022). *Bowling alone*. (Q. Abbasi, Trans.). Tehran: Mas'aleh. [In Persian]
- Safa, S., Torkaman, F., & Sabouri Khosrowshahi, H. (2023). The impact of ethnic discrimination feeling on collective identity of Kurmanji Kurd youth in North Khorasan: A case study of Kurmanji-inhabited cities of North Khorasan in 2020. *National Security*, 13(47), 157-180. [In Persian]
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.33292538.1402.13.47.7.1>
- Schwartz, S. J., Luyckx, K., & Vignoles, V. L. (2011). *Handbook of identity theory and research*. New York: Springer.
- Sedigh Sarvestani, R. (2011). *Social pathology: Sociology of social deviations*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Sen, A. (2022). *Development as freedom*. (M. S. Nouri Naeini, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Singh, N. (2012). *Industrial sociology*. New Delhi: Tata McGraw-Hill.
- Smith, A. (2022). *Ethno-symbolism and nationalism*. (H. Zibaei, Trans.). Tehran: Farhameh. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2017). *Results of the 2016 national population and housing census*. Tehran: Statistical Center of Iran. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2022). *Report on the employment and unemployment status of provinces*. Tehran: Statistical Center of Iran. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2025). *Statistical yearbook 2024*. Tehran: Statistical Center of Iran. [In Persian]
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (2004). The social identity theory of intergroup behavior. In: J. T. Jost & J. Sidanius (Eds.), *Political psychology: Key readings* (pp. 276-293). Psychology Press.
- Yosofvand, H. (2025). The impact of poverty and social deprivation on crimes against property in Lorestan province: An analysis based on regional inequalities. *Journal of Industrial Sociology*, 2(1), 178-194. [In Persian]
<https://doi.org/10.22034/jis.2025.2057708.1029>
- Vesali, S., & Ghaseminezhad, A. (2020). Study of marginalization and social development grounded theory (Identifying the interventionist conditions, strategies, and consequences of the unrealized social development among Pakdasht marginalizations). *Social Development*, 14(2), 93-126. [In Persian]
<https://doi.org/10.22055/qjsd.2020.15402>
- World Bank. (2024). *Poverty, prosperity, and planet report*. Available at: <https://www.worldbank.org/en/publication/poverty-prosperity-and-planet>